کرونا و دینداری

مسعود مطلبی[۱]
محمد مهدی صالح[۲]

چکیده:

در زندگی بشری همه موضوعات و تحولات بر یکدیگر اثرگذار هستند. در واقع موضوعات و چالش‌های نوین بشری همچون ویروس کرونا می‌تواند پوسته و ظواهر سبک زندگی از جمله دینداری را متحول کند، اما در فلسفه و هدف دین و دینداری تغییری ایجاد نمی‌شود. می‌توان گفت حتی میزان گرایش به دین و دینداری با توجه به بحران‌های بشری، لزوم آرام بخشی و تسکین آلام انسانها، ناکارآمدی مدرنتیه و تکنولوژی در رفع رنج بشری و.... افزایش می‌یابد. هدف این نوشتار بررسی برخی از آرا و نگرش‌های مختلف نسبت به تاثیرات کرونا بر دین و دینداری است. چنانکه اثر این ویروس بر ماهیت و فلسفه دین بسیار اندک می‌توان در نظر گرفت، چرا که در موضوعاتی همانند عدالت، ماهیت رنج بشری و.... سوالاتی مطرح شده است. همچنین در بخش مناسک دینی بیشترین تاثیرات ویروس کرونا قابل بررسی است، بخصوص در بخش عامه که بیشترین دین و دینداری خود را از اجرای مناسک و شعائر دینی اخذ کرده‌اند. به همین دلیل وقتی حرم‌ها، زیارت گاه‌ها، مساجد و سایر تجمعات و مراسم‌های مذهبی تعطیل می‌شوند، چالش‌ها و ابهامات دینی در این شاخص‌ها صورت بندی می‌شود، در نتیجه در این بخش تاثیرات کرونا به طور کوتاه مدت بیش از سایر بخش‌ها در موضوع دینداری بوده است.

واژگان کلیدی: کرونا، دین، دینداری، ایران، رنج بشری

---

[۱]- استادیار و عضوهیئت علمی، گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی،آزادشهر، ایران: نویسنده مسئول
Mmthp2006@gmail.com

[۲]- دانشجوی دکتری، علوم سیاسی(مسایل ایران)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران
mehdi_350@yahoo.com

تاریخ دریافت:۱۳۹۸/۱۲/۲۴- تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۳۰

مقدمه

ویروس کرونا همه چیز در جهان را دگرگون کرده است، چنانکه اکثر متفکران، جامعه شناسان و فلاسفه از جهان جدید یا پساکرونا سخن می‌گویند. در واقع مردم و دولتها خود را برای سبک زندگی نوین در همه عرصه‌ها اعم دینی، مصرف، اشتغال، محیط زیست و زیست اجتماعی آماده کنند. البته این مساله مهم است که با توجه به اینکه هنوز ابعاد تاثیرگذاری کرونا به طور کامل هویدا نیست و از سوی دیگر نگرش‌ها و رویکردهای مختلفی نسبت به دین، دینداری و تاثیرات تحولات اجتماعی همچون بیماری‌ها وجود دارد، نمی‌توان به طور کامل و بدون ابهام از تاثیرات کرونا سخن گفت. در واقع هنوز با فضای مه آلود و مبهمی مواجه هستیم. این نوشتار به برخی از آرا و نگرش‌های مختلف تاثیرات کرونا بر دین و دینداری می‌پردازد.

چارچوب نظری

سنجش دینداری

در جامعه شناسی دین هنگامی که سخن از دینداری به میان آید، ما با دو مقوله سروکار خواهیم داشت: دین و دیندار. دینداران، کنشگرانی هستند که سنجش دینداری آنها همواره یکی از دغدغه‌های اساسی پژوهشگران علوم اجتماعی بوده است. در سنجش دینداری ما با دو موضوع سروکار داریم. سنجش سطح دینداری و دیگری سنجش نوع دینداری. در سنجش سطح دینداری، نیاز به سنجه مناسب جهت تعیین میزان دینداری دینداران و در سنجش نوع دینداری، نیاز به شناخت گونه‌های موجود دینداری در جامعه است. موانع و مشکلات نظری و مفهومی در مبحث سنجه‌های دین‌داری به چهار دسته قابل تقسیم هستند: نخست تعریف دین، دوم انواع دین، سوم اقسام دین‌داری و چهارم ملاک و معیار تشخیص دین‌داری. در تعریف دین یک بخش سلبی و یک بخش ایجابی داریم؛ سلبی با بخش تمایز و ایجابی با بخش وضوح مفهوم دین، ارتباط پیدا می‌کند. چند پدیده در بخش سلبی، با مفهوم دین خلط می‌شود: معنویت، اخلاقی زیستن، عرفانی‌نگری، تعبد، ایمان، خرافه‌پرستی، بت‌پرستی و خشکه‌مقدسی. در وجه ایجابی نیز که به وضوح خود دین مربوط است، مشکلات عدیده‌ای وجود دارد، این مشکلات در چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شود: نخست آنکه برخی تعاریف ارائه شده از دین، «جامع افراد» نیستند، یعنی شامل همه ادیان نمی‌شوند. دوم اینکه گاهی هم «مانع اغیار» نیستند؛ یعنی شامل همه دین‌ها می‌شوند، ولی چیزهای دیگری را هم در بر می‌گیرند.

مشکل سوم این است که گاهی تعاریف دین، بیش از حد بدبینانه هستند. مثلاً گفته می‌شود که دین افیون توده‌هاست. چهارمین مشکل هم به تعاریف خوش‌بینانه از دین بر می‌گردد. مثلاً دین را به عنوان اخلاق تعالی یافته یا بهترین و زیباترین کاری که با تنهایی خود می‌توان انجام داد، تعریف می‌کنند.(ملکیان، مهر،۱۰/۴/ ۱۳۸۴) مراد از دین، سه چیز است: یک: مجموعه‌ای از متون مقدس ادیان و مذاهب. دو: مجموعه شروح و تفاسیر و بیان‌ها و تبیین‌هایی که از کتب مقدس شده است. از جنس آراء و نظرات و عقاید است و به حوزه‌های معرفتی متفاوتی تعلق دارد. (فقه، الهیات، عرفان، فلسفه، تاریخ، جغرافیا، و...). سه: مجموعه کارهایی که پیروان یکی از ادیان تاریخ انجام داده‌اند به انضمام آثار و نتایجی که بر آن کارها مترتب بوده است. پدیده‌ای تاریخی است. (ملکیان و نصری، خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۱/۳/۱)

فلسفه رنج بشری

سه رکن نیک بختی و قابل قبول بودن زندگی انسان عبارت است از: خوب زندگی کردن از دید اخلاقی، خوشی از دید روانی و ارزشمند بودن از دید ناظر سوم. از این رو از چهار منظر می‌توان به این مسئله نگریست، نخست دید زیست شناختی، دوم نگاه روان شناختی، سوم فلسفی و چهارم دید مذهبی و دینی. چهار نکته را که از این منظر به مسئله در می‌نگرد چنین برشمرد:

۱- نخست اینکه در این نگاه بررسی می‌شود که درد و رنج چیست و چه ماهیتی دارد؟ ۲- دوم اینکه علت اصلی درد و رنج چیست و چه عوامل و عللی باعث پدید آمدن آن می‌شود؟ ۳- سوم آنکه درد و رنج چه پیامدهایی دارد و چه آثار مثبت و منفی جسمانی، ذهنی، روانی یا اجتماعی دارد؟ ۴- چهارم نیز آنکه ما در برابر پدیده درد و رنج چه رویکرد اخلاقی باید اتخاذ کنیم؟ یکی از مهمترین اندیشه‌های کیرکه‌گارد بحث سه سپهر بود. او به سه سپهر زیبایی شناختی، اخلاقی و دینی قائل بود و معتقد بود که در هر یک از این مراحل شکل درد و رنج‌ها متفاوت است، ضمن آنکه در اندیشه این فیلسوف اساسا دو نوع درد و رنج وجود دارد، درد و رنج گریز پذیر و درد و رنج گریز ناپذیر و اجتناب نکردنی. از دید کیرکه‌گارد اصل حاکم بر سپهر زیبایی‌شناخت، اصل لذت است و از این رو کسی که در این مرحله به سر می‌برد خواهان کمترین میزان درد و رنج است و از درد و رنج‌های گریز پذیر، فرار می‌کند. در سپهر دوم که اصل آرمان اخلاقی حکمران است، فرد برخی رنج‌ها را بر خود هموار می‌کند و در سپهر سوم یعنی سپهر دینی و عاشقانه عشق راهبر انسان است و انسان به دنبال دشواری‌های معشوق است. (ملکیان، سایت معنویت)

معنویت فرآیندی است که منجر به کاهش درد و رنج انسان می‌شود. پس معنویت یک فرآیند می‌شود که در این فرآیند، عناصر باوری، عناصر احساسی و عاطفی وجود دارد. فرآیندی که فرآورده آن، کمترین درد و رنج ممکن است. وقتی معنویت را اینگونه تعریف کردیم، آنگاه هر مولفه‌ای را برای آن ارائه کردیم باید دلیل مطالبه کند. یعنی نشان بدهد این مولفه در کاستن از درد و رنج تأثیر دارد. در انتقاد به این رویکرد باید گفت که مهم‌ترین موضوع در بحث معنویت تحلیل مسئله رنج است؛ زیرا رضایت باطنی و مولفه‌های آن ریشه در تبیین این مسئله دارد و متأسفانه جناب ملکیان تحلیل درستی از آن ارائه نمی‌دهد. الف) اینکه هر انسانی باید به دنبال کاهش درد و رنج خود باشد غیر از آن است که دغدغه اصلی انسان باید کاهش درد و رنج شخصی خود باشد. کسب لذات و دوری از آلام، اصل اولی حیات انسان تلقی نمی‌شود. هر چند برخی از متفکران مانند «بنتام» کسب لذت و نفی درد را زیربنای همه افعال ارادی انسان دانسته‌اند، اما با این انتقاد مواجه شده‌اند که کسب لذات و دوری از آلام، اصل اولی حیات انسان تلقی نمی‌شود، بلکه دو وسیله مهم برای حفظ «من» می‌باشد. ب) از آنجا که هدف اصلی انسان معنوی، کاهش درد و رنج خود است، اگر هم درصدد کاهش رنج و درد دیگران برآید، به خاطر خودش می‌باشد. در واقع انسان معنوی در اصل به دنبال حل مشکلات و مسائل خود است، حال اگر کاهش درد و رنج خود، دغدغه اصلی انسان تلقی شود، آیا در برخی از موارد، آدمی برای کاهش رنج خود، بر رنج دیگران نخواهد افزود؟! آیا با رویکرد معنویت می‌توان بسیاری از رنج‌ها را تحمل کرد؟ ج) گاهی نمی‌توان رنج را از میان برد، بلکه باید آن را پذیرفت و تحمل کرد. آیا با رویکرد معنویت می‌توان بسیاری از رنج‌ها را تحمل کرد؟ (ملکیان و نصری، خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۱/۳/۱)

همه افراد بشر بر وجود درد و رنج در جهان هستی اتفاق نظر دارند، اما منشأ و انواع دردها از دیدگاه افراد مختلف و اندیشمندان جهان متفاوت است. دیدگاه سنتی بر پایه نظرات ادیان مختلف و خدامحور و دیدگاه دیگر هم انسان گرایانه و بدون در نظر گرفتن خداوند در دردها است؛ دیدگاه سنتی معتقد است که منشأ دردها و آلام بشر در دور شدن از الوهیت خداوند است و هر چه این دور شدن بیشتر باشد، میزان دردها هم بیشتر خواهد بود. دورافتادگی انسان از شریعت خداوند را دومین علت برای ایجاد درد در دیدگاه سنتی؛ دور افتادگی انسان از شریعت خداوند را دومین علت برای ایجاد دردها در دیدگاه سنتی دانست. دورافتادگی از شعاع نورانیت خداوند هم به عنوان سومین علت و منشأ دردهای بشر در دیدگاه سنتی معرفی می‌شود. دوری

انسان از قوانینی که خداوند به عنوان سنت‌های طبیعی در عالم هستی قرار داده است به عنوان دلیل چهارم. ما دانش و تجربه را می‌پذیریم، اما نباید فراموش کنیم که خاستگاه درد و رنج، لزوماً ضعف درون انسانی نیست و منشأ متافیزیکی و دوری از الوهیت هم دارد و باید دعاها و اذکار را برای درمان هم توصیه کنیم و عقلانیت اقتضا می‌کند که همه این موارد را در کنار یکدیگر داشته باشیم. (قطبی، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۹/۱/۲۵)

فهم فلسفی از حوادث زندگی می‌تواند ما را در درک معنای زندگی و هدف آفرینش کمک کند. در گیر و دار بیماری کرونا بسیاری از پرسش‌های فلسفی مطرح شده و مورد بازخوانی قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد دوران نگاه خوشبینانه افراطی انسان‌ها به قدرت علم در حال بازفهمی است. از مقطعی از زمان، انسان‌ها شیفته و دلداده دانش و قدرت علم شدند و از دردها و رنج‌ها به خصوص درد و رنج روحی که ما امروز گرفتار آن هستیم، غفلت کرده بودند. غم‌ها و نگرانی‌هایی که انسان امروز به واسطه فراگیر شدن این بیماری دارد، با بسیاری از حوادث متفاوت است. کرونا زیست جهان انسان و بنیادهای معرفتی او را متحول کرده و نوع نگاه انسان و به خصوص نگاه خوشبینانه ای که انسان‌ها به دانش داشتند را در حال تغییر دادن است، یک بیماری مانند کرونا که درگیر آن هستیم می‌تواند دوره‌ای از درد و رنج روحی و همچنین درد و رنج معرفتی را همراه خود داشته باشد. یعنی غم‌ها و نگرانی‌هایی که انسان امروز به واسطه فراگیر شدن این بیماری دارد، با بسیاری از حوادث متفاوت است. کرونا زیست جهان انسان و بنیادهای معرفتی او را متحول کرده و نوع نگاه انسان و به خصوص نگاه خوشبینانه ای که انسان‌ها به دانش داشتند را در حال تغییر دادن است. فهم فلسفی این است که این بیماری می‌تواند دستگاه شناخت انسان را در معرض پرسش جدی قرار دهد و دگرگون کند. بنابراین این بیماری تنها یک بیماری نیست. حتی تنها یک شر محسوب نمی‌شود. شری است که سبب دگرفهمی و بازفهمی انسان درباره حیات، نظام‌های فکری، نظام قدرت و نظام دانش خواهد شد. انسان‌ها دریابند که واقعیتی به نام شرور وجود دارد، آن وقت درمی یابند که چه مواجهه‌ای با آن داشته باشند. مسئله اول این است که انسان‌ها دریابند که واقعیتی به نام شرور وجود دارد، آن وقت درمی‌یابند که چه مواجهه‌ای با آن داشته باشند. اما اگر انسان‌ها سرمست از قدرت و نظام دانش باشند، نمی‌توانند نسبت و مواجهه بنیادین و صحیحی با شر داشته باشند. یک بخش شر ریشه در اختیار و اراده و اشتباهات انسان دارد و یک بخش آن در حوزه‌های معرفتی انسان ریشه دارد که انسان چگونه باید شرور را

از هم تفکیک کند و برای آن پاسخ مناسبی را بتواند شکل دهد. (پورحسن، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۹/۱/۱۷)

کرونا و دینداری

اگر کرونا باعث تعطیل و توقف برخی از تجمعاتِ دینی شده؛ اما از جنبه دیگر موجب بذل توجهات بیشتر افراد به سوی دین گردیده است. یافته‌های علمی نشان می‌دهد، ارتباط معناداری بین مصائب و بحران‌های بشر با تغییر میزان اهمیت دین و خدا وجود دارد. در کشور ما اگرچه پدیده کرونا به طور موقت موجب توقف مناسک و شعائر دینی شده است، اما نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که اعتقادات مذهبی مردم در این بحران افزایش یافته است. از سوی دیگر نیز افزایش فعالیت‌های انسانی و فداکارانه کادر درمان و بهداشت و همدلی و کمک‌رسانی اقشار مختلف جامعه را شاهد هستیم که خود موید افزایش روحیه دین مدارانه در اینگونه رفتارهاست. کرونا از آن حیث که یک بیماری است؛ نظیر همه بیماری‌های دیگر است و می‌تواند تهدیدی برای هر فعالیتی، از جمله فعالیت‌های دینی محسوب شود. تشدید اثراتش هم طبعاً تابعی است از شدت تهدید و ممانعت‌هایی که پدید می‌آورد. یک نظریه‌ای اما در بین دین‌پژوهان کلاسیک وجود داشت که فعالیت‌های دینی را استثنا می‌کرد و معتقد بود که نسبت میان «رنج و بیماری» با «گرایشات دینی» اساساً مثبت است و این بیماری و تهدید و دل‌نگرانی‌ها هستند که بستر روآوری انسان‌ها به عوالِم دیگر و عوامل ماوراءالطبیعی می‌شده است. این نسبت را حتی اگر علّی و ایجادی هم ندانیم؛ اما یک نسبت ایجابی میانشان برقرار است. به همین رو مشاهده می‌شود افرادی هم که توجهات دینی بارزی ندارند، در چنین موقعیت‌هایی دینی‌تر می‌شوند. بنابراین هر چه انسان‌ها مدرن‌تر باشند، بی‌اضطراب‌تر خواهند بود و هر چه بی‌اضطراب‌تر، بی‌دین‌تر. این قبیل افراد در اولین موقعیتِ مستعدی که قرار بگیرند؛ نظیر همین کرونا؛ واکنش‌های دینی و معنوی بیشتری از خودشان نشان می‌دهند. اینگلهارت ادعا کرده که با فروکاستن اضطراب‌های زندگی به مدد علم و تکنولوژی و بالارفتن سطح ایمنی و رفاه، دغدغه‌های دینی هم کاهش یافته است و خواهد یافت.(شجاعی زند، ایرنا، کدخبر، ۱۸۸۵۵۱)

بیماری‌های فراگیر مانند کرونا که سلامت عمومی را تهدید می‌کند و چالشی برای معناداری زندگی هستند و در نهایت به افزایش چگالی دین‌داری می‌انجامد و تراکنش کنش‌های مذهبی را در نزد افراد بالا می‌برد. پدیده‌ای مانند کرونا که از یک بیماری شخصی تبدیل به یک وضعیت و واقعیت اجتماعی می‌شود در سبک و کیفیت دین‌داری ما نیز تأثیر خواهد گذاشت؛ این تأثیر

بر اساس نظریه‌های مختلف قابل‌فهم است و دودسته نظریه وجود دارد که رابطه دین و دنیای جدید را تقریر می‌کنند. کرونا نشان داد علم نتوانسته همه نیازمندی‌های انسان را پر کند و هنوز مواردی هست که هیچ علم تجربی نمی‌تواند اقدامی کند و کرونا عجز دانش بشری و ناتوانی علوم تجربی را به رخ کشید و باعث شد فهم و درک از دین پررنگ‌تر شود، در دنیای جدید هیچ علم و چیز دیگری نمی‌تواند جایگزین دین شود و به ما قطعیت بدهد. کرونا به ما نشان داد که برخی چیزها معنای زندگی بشر را تهدید می‌کند چون کرونا صورتی از مرگ است و مرگ را به ما نزدیک می‌کند که این به ما القا می‌کند که هیچ معنایی در زندگی وجود ندارد؛ حتی اگر علوم تجربی موفق به تولید واکسن این بیماری شود بخشی از درد ما را کم می‌کند ولی تهدید معنای زندگی ما همچنان سرجای خودش است. دین این تهدیدِ معنای زندگی را از بین می‌برد و به همین دلیل امروزه می‌بینیم از ملحدترین و دین‌گریزترین آدم‌ها در این شرایط دعا می‌خوانند و حتی کنشگران علوم تجربی دستانشان به دعا بلند است تا شراین بیماری از جهان کوتاه شود. کرونا نشان داد دین همچنان کارکرد دارد و امکان حذف پدیده‌ای که دارای کارکرد باشد، وجود ندارد و مردم اشتیاق به دعا و معنویت در بین مردم زیاد شده است. (صادق نیا، ایکنا، ۲/۱۵/ ۱۳۹۹)

کرونا و مناسبات دینداری

بیماری کرونا در صورتی موجب تحول کلی در مناسبات دینداری جامعه خواهد شد که به درازا بکشد، چون این ماجرا تهدیدی برای جامعه جهانی بود. کرونا و پلورالیسم دینی شیوع ویروس کرونا از حوادث و رخدادهای مهم تاریخ بشر به شمار می‌رود که جنبه‌های مختلف زندگی انسان را دستخوش تغییراتی قرار داده است و گفته می‌شود با تداوم این وضع بر دامنه این تغییرات افزوده خواهد شد. با شیوع این بیماری، اماکن مقدس و مناسک در ایران و سراسر جهان تعطیل شد و اکنون برخی معتقدند کرونا تأثیر زیادی در حوزه دینی جامعه به همراه خواهد داشت. کرونا تهدیدی برای کل زندگی بشر و بحرانی جهانی است که در شرایط کنونی، همه حوزه‌های زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده و به نوعی گرفتار کرده است. به هر حال، یکی از حوزه‌های تأثیرپذیر از این بیماری، حوزه دین و دینداری محسوب می‌شود که در این راستا، شاهد تأثیرات آشکاری در سراسر جهان هستیم؛ مثل لغو اجتماعات و مناسک دینی و بسته شدن زیارتگاه‌ها، معابد، مساجد و بقاع متبرکه به منظور محدود ساختن این بیماری که اختصاص به یک دین ندارد و همه ادیان را شامل می‌شود. تأثیر دیگر بیماری کرونا، حساسیت‌زدایی از برخی

امور بوده است، مثلاً در میان مسلمانان نگاه مثبتی به الکل وجود نداشت، ولی در اثر این بیماری، این نگاه منفی کمی تعدیل شد، مشارکت نهادها و خیریه‌های مذهبی در فعالیت‌های امدادی و کمک به بیماران، تهیه لوازم و امکانات جلوگیری از بیماری مثل ماسک و الکل و همراهی و همکاری عالمان مذهبی و روحانیون با پزشکان و دانشمندان و حتی حضور بعضی از آنها در بیمارستان‌ها نشان می‌دهد که نهاد مذهب هم از این ماجرا تأثیر پذیرفته و هم به نوعی در آن مشارکت داشته است. (موسوی، ایکنا، ۱۳۹۹/۱/۲۰)

کرونا و پلورالیسم دینی

تأثیر این بیماری بر حوزه معرفتی به چند عامل بستگی دارد؛ یکی میزان گسترش و شیوع این بیماری و میزان تلفاتی است که در پی خواهد داشت و اینکه تا چه زمانی این چالش و بحران ادامه پیدا کند. اگر این چالش زود به پایان برسد، قاعدتاً تأثیر کمتری خواهد داشت و هر چه بیشتر تداوم پیدا کند، تأثیر بیشتری به دنبال دارد. دومین عامل، موقعیت اجتماعی دینداران است. معمولاً در چنین رخدادهایی، شاید طبقات ضعیف‌تر جامعه که تحت تأثیر پیامدهای ناگوار این رخدادها قرار می‌گیرند، بیشتر بر ایمان‌شان تأثیر بگذارد. عامل سوم، تقابل عالمان دینی با علم و دستاوردهای دانش بشری است. به هر میزان که عالمان دینی در این ماجرا با علم و دستاوردهای دانش بشری همکاری کنند، تأثیر این بیماری بر حوزه معرفتی کمتر می‌شود. به نظر می‌رسد چند نکته در این رخداد تاکنون مطرح شده است، یکی اولویت و اهمیت یافتن حفظ جان افراد بوده که بر عقیده و اعمال و مناسک دینی نوعی تقدم پیدا کرده است. این شاید در تصورات عموم این‌گونه نبوده است، ولی اکنون این بحث مطرح می‌شود که برای حفظ جان افراد می‌توان این اماکن را تعطیل کرد. نکته دیگر اینکه چون این ماجرا تهدیدی برای کل جامعه جهانی بود، ادیان نوعی احساس همدردی کردند و رابطه نزدیکی میان آنها در این ماجرا شکل گرفته است که یکی از آثار آن می‌تواند تقویت پلورالیسم دینی باشد. علاوه بر این، در سایه این بحران، دعواهای علم و دین دوباره از نو شروع شد، از جمله بحث داروینیسم، تحول ژنتیکی ویروس، انتخاب طبیعی و تنازع بقا مجددا زنده شد. در حوزه اندیشه شیعی، به نظر می‌رسد که این بیماری می‌تواند بازتاب بسیار زیادی بر دیانت و تشیع عامیانه داشته باشد. تشیع عامیانه در برابر تشیع عالمانه یا نخبگانی است و البته دیانت عامیانه فقط به تشیع یا اسلام اختصاص ندارد. به نظر می‌رسد که شیوع و گسترش ویروس کرونا و به تبع آن، تعطیل شدن اماکن مقدسه، به

تغییراتی منجر می‌شود و تاثیراتی به جا می‌گذارد. تداوم این وضع و تعطیلی‌ها به الهیات شفاهی تشیع عامیانه آسیب می‌رساند.(موسوی، ایکنا، ۱۳۹۹/۱/۲۰)

کرونا و دینداری مجازی

CNN گزارشی از این تعطیلی‌ها با تیتر "خاموشی بزرگ ۲۰۲۰: آنچه کلیساها، مساجد و معابد برای مبارزه با گسترش ویروس کرونا انجام می‌دهند."، منتشر کرده است. در این گزارش آمده است: (Burke 2020)

"مانند لیگ‌های ورزشی، موزه‌ها و سایر موسسات فرهنگی، میلیون‌ها کلیسا، مسجد، کنیسه، سانگها (مجامع عبادی بودایی‌ها)، معابد و گورداوارا (محل عبادت سیک‌ها) به طور موقت بسته می‌شوند تا از انتشار ویروس جلوگیری کنند. برای بسیاری از رهبران معنوی، تصمیم برای بسته شدن درهایشان دشوار است." سوالات و مسائل دینی زیادی در پی ایجاد گرفتاری‌ها و مصائب و همچنین بسته شدن مراکز و تعطیل شدن مناسک دینی، مقابل جوامع دین‌دار و بلکه کل دنیا قرار گرفته است و..... رحمت الهی چرا شامل حال مومنین نمی‌شود"، "خداوند آیا از این رنج-های بشریت آگاه است یا نه و اگر هست چرا کاری نمی‌کند؟" بشریت تجربه بسیار کمی در برخورد با این پدیده داشته است. براساس این شبیه‌سازی‌ها، برخی معتقدند کرونا آینده تاریکی برای دین و اعتقادات مذهبی رقم خواهد زد. بعضی هم، خلاف آن را معتقدند و مدعی هستند، تغییرات بنیادین در جهان بیرون و جهان درون انسان‌ها، بازگشت به خویشتن و بازگشت به دین و معنویت را به دنبال خواهد داشت. کرونا لااقل در کوتاه مدت و میان مدت، منجر به تقویت باورهای دینی می‌شود. اما مشروط به فعال شدن گروه‌ها و مجامع مذهبی در فضای مجازی و به روز کردن خود نسبت به استفاده از فناوری‌های ارتباطی. بسیاری از متفکران معتقدند باورهای مذهبی مردم در دوره کرونا تضعیف شده و خواهد شد. مهمترین دلیل آنها دیدن رنج‌ها و گرفتاری‌های ایجاد شده است که آرام آرام پایه‌های اعتقادی مردم را متزلزل خواهد کرد. به نظر می‌رسد در اپیدمی‌هایی مثل کرونا یا مصائب و بلایای طبیعی، چیزی که انسان را متوجه امور متعالی می‌کند، درک ناتوانایی‌های دستاوردهای بشری از تمشیت همه امور انسان و ناامیدی از آنها است. به هر روی می‌توان ادعا کرد که خود بیماری کرونا به عنوان یک بلا یا مصیبت، نه تنها باعث فاصله گرفتن مردم عادی از خدا و تضعیف باورهای دینی آنها نمی‌شود، که می‌تواند باعث تقویت باورهای دینی شود. (درویش، مرکز ملی پژوهشگاه فضای مجازی، ۱۷/ ۱۳۹۹/۲)

ضرورت توسعه فعالیت‌های مذهبی در بستر فضای مجازی؛ پس حال نوع بشر مثل حال کسی است که پزشکان از درمان او اظهار ناتوانی کرده‌اند، در این شرایط اغلب انسان‌ها رو به سوی زیارتگاه‌ها، حرم‌ها و هیات‌ها می‌برند. در آنجا یا دردشان علاج می‌شود یا لااقل قلبشان آرام می‌گیرد. اما در کرونا یکی از اولین جاهایی که بسته شد، مساجد و عبادتگاه‌ها و حرم‌ها بود. نیویورک تایمز به کنایه می‌گوید "خداوند نیز انگار خودش را در جایی قرنطینه کرده که در صحنه نیست ولی حتما در کلیسا قرنطینه نکرده چون کلیساها همه فعالیت‌هایشان را تعطیل کرده‌اند. غیر از بسته شدن حرم‌ها، مراسم‌های مذهبی که مهمترین جلوه همبستگی جامعه دین‌مدار در جهان مدرنِ عاری از ارزش‌های سنتی و دینی است، خود ضربه دیگر بر پیکره این جامعه است. و.... تاثیر غیرقابل انکاری بر مردم دین‌دار می‌گذارد. لذا کرونا از این جهت می‌تواند تأثیرات منفی بر دینداری بشر داشته باشد.. کلیساها و معبدها در برخی کشورها "سرویس‌های آنلاین مذهبی" راه اندازی کرده و یا گسترش داده‌اند و با تبلیغات گسترده، سعی کرده‌اند، مخاطبان خود را در روزهایی که نیاز به همراهی و کمک بیشتری دارند، حفظ کنند. (درویش، مرکز ملی پژوهشگاه فضای مجازی، ۱۷/ ۱۳۹۹/۲)

پساکرونا

ترس بشر از دوران پساکرونا کمتر از خود کرونا نیست، امروز این اپیدمی جهانی از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اما این موضوع از منظر دین کمتر مورد توجه قرار گرفته است، اینکه دین در دوران پساکرونا چگونه خواهد بود و کرونا چه تأثیری بر دینداری خواهد گذاشت؟ این روزها به واسطه بحران کرونا و تغییراتی که در سبک زندگی و اندیشه مردم جهان به وجود آمده، سؤالات و پرسش‌های متعددی، ذهن بشر را درگیر کرده است که یکی از مهم‌ترین سوال‌ها، پرسش از خدا، دین و معنویت است. شاید این سؤال مطرح شود که بشر کرونایی چه انتظاری از خدا دارد و سقف این انتظارات کجاست؟ بشر کرونایی می‌پرسد خدایی که امروز به کار من نیاید پس کی می‌خواهد به کار من بیاید؟ که این انتظار نادرست بخشی از دین گریزی را دامن می‌زند. اگر پاسخی از خداوند دریافت نمی‌کنیم، نه نشانه ناآگاهی خدا از دردها و نه نشانه ناتوانی اوست، بلکه دلیل انتظار غلط ما از خداوند است. باید دید انتظار بشر از خدا چیست؟ شفا و درمان می‌خواهد، حل معضلات اقتصادی می‌خواهد، آرامش می‌خواهد؛ چه می‌خواهد.... زیرا انتظار دارد مسیح کرونا را نابود کند، بیماران کرونایی را شفا دهد و مشکل جامعه را حل کند؛ اگر نوع و سقف انتظارات تبیین نشود همین دیندار، علیه دین چنین موضع می‌گیرد. کرونا هم به

دین گریزی و هم به دین گرایی دامن زده است و برای هر دو باید کنش فعال داشت. هر دو می‌تواند تهدید و اتفاقا فرصت هم باشد. یکی از خطرهای جدی دوران پسا کرونا این است که بشر کرونایی به جای پرداختن به معنویت برخاسته از دین، به دنبال دین برخاسته از معنویت برود. ادبیات معارفی ما باید بتواند با عقلانیت و زیبایی و سادگی، درمان گر باشد؛ پیچیده تبلیغ کردن خدا، برای بشر امروز که توان فکر کردن به مباحث پیچیده را ندارد، خیلی کارآیی ندارد. اگر تنها راه درمان کرونا، پیشگیری است، شبهات کرونایی در حوزه دین هم باید پیشگیری شود. (سهروردی، شبستان، ۱۳۹۹/۱/۳۱)

کرونا و میزان دینداری

یافته‌های علمی نشان می‌دهد، ارتباط معناداری بین مصائب و بحران‌های بشر با تغییر میزان اهمیت دین و خدا وجود دارد. در کشور ما اگر چه پدیده کرونا به طور موقت موجب توقف مناسک و شعائر دینی شده است، اما نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که اعتقادات مذهبی مردم در این بحران افزایش یافته است. از سوی دیگر نیز افزایش فعالیت‌های انسانی و فداکارانه کادر درمان و بهداشت و هم‌دلی و کمک‌رسانی اقشار مختلف جامعه را شاهد هستیم که خود موید افزایش روحیه دین مدارانه در این گونه رفتارهاست. در نظرسنجی‌ای که ایسپا در مورد تأثیر بحران شیوع کرونا بر اعتقادات مذهبی مردم داشته است، ۴۸.۴ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند در این ایام که کرونا شیوع پیدا کرده اهمیت دین و خداوند برای آنها نسبت به قبل تغییری نکرده است. ۴۷ درصد مردم گفته‌اند در ایام کرونا، اهمیت دین و خداوند برای آنها نسبت به قبل بیشتر شده است و فقط ۳.۵ درصد گفته‌اند این اهمیت نسبت به گذشته کمتر شده است. ۱.۱ هم به این سوال پاسخ ندادند.

انسان‌ها مدرن‌تر باشند، بی‌اضطراب‌تر خواهند بود و هر چه بی‌اضطراب‌تر، بی‌دین‌تر. این وضعیت مدرن به فرض آنکه صائب باشد و به تحقق هم رسیده باشد؛ خلأ معنویتی را پدید می‌آورد که موجب عطش و نوعی حسرت وجودی در انسان‌ها است. این قبیل افراد در اولین موقعیتِ مستعدی که قرار بگیرند؛ نظیر همین کرونا؛ واکنش‌های دینی و معنوی بیشتری از خودشان نشان می‌دهند. در میان مصائبی که تاکنون برای بشر پیش آمده، بلیه‌ای مانند کرونا ویژگی‌هایی دارد که با دیگر شرور متفاوت است، آیا این تفاوت که نوعاً به گستردگی این بیماری باز می‌گردد، می‌تواند در تغییر نگاه به دینداری مؤثر بوده باشد. کرونا خصوصیاتی دارد که آن را از بیماری‌های دیگر متمایز ساخته و آن مسری بودن شدید آن است. این باعث بروز دو اتفاق در

زندگی، خصوصاً زندگی مدرن شده و آن تشدید تنهایی و فراغت است. انسان مدرنی که به نحو غالب دچار عارضه تنهایی است؛ اکنون به دلیل دستورالعمل فاصله‌گذاریِ اجتماعی بر تنهایی‌اش افزوده شده و به دلیل توقف فعالیت‌های یومیه‌اش، بر زمان فراغتش نیز اضافه شده است. این فراغت اگر در شرایط دیگری روی می‌داد که انسان‌ها با اضطراب و محدودیت‌های کنونی مواجه نبودند، حتماً ماهیت و سمت و سویی دیگری پیدا می‌کرد. ماهیتی از جنس بی‌خبری و بی‌خیالی و سرخوشی‌های بیشتر. یکی از اتفاقاتی که در بستر کرونا رخ داده این است که لاجرم فعالیت-های جمعی دینی تعطیل شده است، تعطیلی مناسک می‌تواند سطح دینداری را متأثر کند. باید توجه داشت که دین یک کل یک‌پارچه و همه‌جانبه است و در عین حال واجد ابعاد و جنبه‌های مختلف. این کثیرالابعاد بودن که در ادیان پیشرفته‌تری نظیر اسلام، کامل‌تر نیز شده؛ به دلیل آن است که با انسان که موجودی چند بُعدی است، سروکار دارد. یک سبب دیگر آن، ظرفیت و کارکردهای متفاوتی است که این ابعاد دارند و با تأثیرگذاریِ بر روی هم، یکدیگر را تکمیل و تقویت می‌کنند. روشن است با توجه به شرایطی که کرونا تحمیل کرده، موقعیت برای تقویت ابعاد فردی‌ترِ دینداری بیشتر فراهم است و ابعاد جمعی‌ترِ آن، تضعیف خواهند شد. «فردی و جمعی» و نه «درونی و بیرونی»؛ چون اینها معادل هم نیستند. دوگانه دوم در بطن و ذیل دوگانه اول حضور دارد. یعنی هر یک از ابعادِ فردی یا جمعی دینداری هم جنبه درونی دارد و هم بیرونی. از ابعاد جمعی دینداری، یکی «مناسک» است به معنی عبادات جمعی و دیگری «شعائر» که در برگیرنده مراسم و گردهمایی‌هایی جمعی و حضور در اماکن زیارتی و مذهبی است.. آن دسته‌ای که اتفاقاً بروز و ظهور مهمی در جوامع دینی نظیر جامعه ما دارند. باید توجه داشت که دین، مولود مناسک نیست و اتکای محض و تامّی به اماکن مقدس و برگزاری جمعیِ عبادت و تعظیم شعائر و برپایی محافل و مجالس مذهبی ندارد. لذا چنین نیست که با توقف در آنها بلافاصله دستخوش تنازل گردد. البته اگر زمان این تعطیلی‌ها طولانی شود و جایگزین‌های مناسب و جبران کننده‌های خاصی برای آن تدارک دیده نشود؛ طبعاً اثرات سویی باقی خواهد گذارد که به تدریج نمایان خواهد شد. اهمیت مناسک و شعائر در جامعه ما؛ اهمیتش را از خود دین می‌گیرد. توجه دارید که دین در فعالیت‌های جمعیِ دینی، در دو نقش و موقعیت متفاوت ظاهر می‌شود. از یک‌سو عاملِ انگیزه بخش حضور مردم در این اماکن و محافل است و نقش علّی در برپایی و ترتیبات آن دارد و از سوی دیگر معلول این موقعیت‌ها است؛ یعنی این محافل خود به تقویت دینداری مشارکت‌کنندگان کمک می‌کنند. به بیان دیگر می‌توان گفت که دین، علت

مُحدثه اجرای مناسک و تعظیم شعائر و برپایی تجمعات دینی است. آنها به نحو مستقل و بدون پشتیبانی‌های معنابخش و تعیین‌کننده دین، هیچ موضوعیت و توجیه و حقانیتی ندارند. در مقابل هم فعالیت‌هایِ جمعیِ دینی، یکی از پنج شش علت تقویت دینداری و بقای دین هستند. به هر صورت این کارکردهای دینیِ مناسک و شعائر است و بدیهی است که هرگونه تعطیل و وقفه در آنها موجب کاستن از تأثیرات مثبتشان بر دینداری مردم خواهد شد. در عین حال باید توجه داشت که دین، مولود مناسک نیست و اتکای محض و تامّی به اماکن مقدس و برگزاری جمعیِ عبادت و تعظیم شعائر و برپایی محافل و مجالس مذهبی ندارد. لذا چنین نیست که با توقف در آنها بلافاصله دستخوش تنازل گردد. مناسک و شعائر از اجزای طبیعی هر دینی است و اهمیتشان هم فی‌نفسه است و از دین برمی‌خیزند و برای دین هستند؛ در عین حال کارکردهای دیگری هم دارند. اجتماعات دینی به جز کارکردهای تعلیمی و آموزشی و تأثیرات هیجانی و عاطفیشان بر روی افراد؛ در تقویت انسجام اجتماعی و تحکیم پیوندهای درونی دینداران هم مؤثرند. اینها علاوه بر اثرات معنوی حضور در اماکن مقدس و تلطیف روح و آمادگی برای برقراری ارتباط خالصانه و نزدیک‌تر با خداوند است. کرونا نشان داد که جوامع اسلامی در مقایسه با کشورهای غربی از ظرفیت امدادگری به مراتب بیشتری برخوردارند و از توان بالایی برای حل مسائل خویش در موقعیت‌های بحرانی. موقعیت‌هایی که مردم در آن نوعاً دچار تزاحم و تعارض منافع می‌شوند و ممکن است به جان هم بیفتند. با صرف نظر از بزرگنمایی‌هایی که پیرامون این موضوع وجود دارد و کشورهای رقیب از آن علیه یکدیگر استفاده می‌کنند، می‌توان با قطعیت از وجود یک همبستگیِ مثبت میان «میزان دینداری» با «حل مسئله در موقعیت‌های بحرانی» سخن گفت. این همبستگی هم در سطح فردی معنادار است و هم در سطح کشوریِ آن. شکل‌گیری حرکت-های جهادی و بسیجی‌وار در ایران البته سابقه‌دار است و نمونه‌های فراوانی از آن را در همین اردوهای جهادیِ دانشجویان و در حوادث سیل و زلزله هم شاهد بوده‌ایم. در قضیه کرونا اما به دلایل خاصِ آن، این پدیده از گستردگی و تنوع به مراتب بیشتری برخوردار شده و بازتاب‌های به مراتب بیشتری هم پیدا کرده است. زیرا حساسیت و توجه مردم نسبت به آن بیشتر است و امکان مقایسه هم‌زمان با کشورهای دیگر نیز وجود دارد. ایران به موهبت برخورداری از حاکمیت دینی البته از جایگزین‌های موقتی خوبی برخوردار است. چون برای فعالیت‌های جمعیِ دینی هیچ بدیل و جایگزین کارآمدی وجود ندارد. یکی از این جایگزین‌های موقتی، رسانه ملی است که

می‌تواند این نقش و مسئولیت را با برنامه‌ریزی‌های درست و درخور و استفاده از برخی بداعت-های هنری و ذوقیِ مناسب و ارتقای کیفیت‌ها بر عهده بگیرد و تا حدی هم مؤثر واقع شود.

تاثیرات اجتماعی کرونا بر ملت‌ها و رفتارهای اجتماعی

در مسئله کرونا ما با دو رویکرد جهانی مواجه هستیم که در تقابل با یکدیگر هستند. یک مسئله تئوری‌ای که قائل به آخرالزمان و ظهور منجی است و یک تئوری که هیچ اعتقادی به این موضوع ندارد و منکر آن هم هست. دسته اول اختصاص به شیعیان ندارد. در میان مسیحیان، یهودیان، اهل تسنن هم این مسئله «غایت‌گرایی» وجود دارد. مسیحیان قائل به بازگشت حضرت مسیح به عنوان منجی آخرالزمان هستند، ما نگاه‌مان به مسائل دنیا صرفاً اومانیستی نیست ما نگاه دینی و عقلایی داریم و همواره امیدوار هستیم. ببینید در کشورهای مختلف دنیا، کرونا چه بلایی بر سر مردم آورده است. بشر به استیصال رسیده است و استیصال باعث می‌شود به معنویت و فطرت خود رجوع کنند و نهایتاً به دنبال منجی موعد می‌گردند. یکی از دلایلی که ما ظهور را نزدیک می‌دانیم علائمی است که دیده می‌شود که بسیار نزدیک به علائمی است که در احادیث اشاره شده است می‌باشد و البته ما قائل به انبساط زمانی هستیم و از این جهت ما قیامت را هم نزدیک می‌دانیم. علت آن این است که معتقدیم زمان‌های ملکوت بسیار مبسوط‌تر از زمان‌های ناسوت که ما در آن زندگی می‌کنیم. همچنین زمان جبروت و لاهوت بسیار منبسط‌تر از زمان عالم ملکوت است. این مطالب ریشه قرآنی دارد. می‌دانیم که روز قیامت برابر با ۵۰ هزار سال از سال‌های این دنیا است و الان جهان در حال انبساط است و آن کسی که پشت این ماجرا است خود حضرت مهدی است که امامِ «زمان» است و زمان در اختیار او است. الان این بحران جهانی «کرونا» ما را به بحث زمانی نزدیک می‌کند. این باورها در مقابل آن تئوری دوم است که جهان غایتی ندارد یعنی نه اولی دارد و نه آخری و کاملاً رها شده است. کسانی که قائل به غایت گرایی نیستند در مشکلات راحت‌تر تسلیم می‌شوند چرا که قدرت معنویت و امید به ظهور منجی در آنها وجود ندارد. برای همین می‌بینیم که در جریان کرونا حتی برخی از پزشکان در خارج از کشور هم خودکشی کرده‌اند. خانواده‌هایی که حامی ندارند دست به خودکشی می‌زنند. البته در کشورهایی که غایت‌گرا هستند نتیجه عکس بوده است. در کشورمان جهادگران فعالند و مردم بیشتر از قبل به یکدیگر کمک می‌کنند. فداکاری، ایثارگری و خدمت به یکدیگر بیشتر شده است. این ویروس موجب افزایش استیصال بشری شده است در نتیجه مردم غایت‌گرا می‌شوند. در پساکرونا با دهکده جهانی مواجه نخواهیم بود. بلکه ما با جهان متکثر مواجه خواهیم شد. دهکده

جهانی تعریفی دارد که آمریکا و اروپا آن را ارائه داده‌اند، اما در عمل در آینده جهان به شدت متکثر می‌شود. شما می‌بینید فطرت خداجویی به جایی رسیده است که آیه‌های قرآن به صورت بنر در کشورهای دنیا منتشر می‌شود. کرونا باعث می‌شود مردم به فطرت خود برگردند و در نهایت به حکمت در سطح جهانی برسند. (فیاض، فارس، ۱۳۹۹/۲/۱۷)

در شرایط بحرانی اکنون بسیاری امور از نگاه عقل ایجاب کرده است که باید تعطیل شوند که در این زمینه دین هم بر احکام صحیح عقل مهر تایید می‌زند. با توجه به اینکه عقل ایجاب می-کند در شرایط کنونی تجمعی نباشد بنابراین مساجد، امامزادگان، نماز جمعه و آیین های جشن و سنت‌ها و عزاداری‌ها نیز تعطیل شده‌اند. بنابراین نگاه عالمانه به دین و دستورات دینی در شرایط بحرانی این است که آنچه عقل انسانی تشخیص می‌دهد در این شرایط باید انجام شود که بدون شک دین و شرع مقدس هم آنها را تایید می‌کند. دین در هر عرصه‌ای برای انسان متدین برنامه‌ای متفاوت دارد. این تغییرات با رعایت اصول و ارزش‌های دینی و حفظ اصول دین بوده و در واقع رفتارهای دینی تغییر شکل داده و نوع کار در برخی زمانها ممکن است عوض شود. همه مردم جامعه با در نظر گرفتن اقتضائات زمانی و مکانی و در نظر گرفتن عنصر عقل و عقلانیت در دین که مورد تاکید همه متفکران و عالمان جامعه است، در انجام مناسک دینی با نگاه عقل پسند و دین مدارانه رعایت کنند و از حضور در اجتماعات، امامزاده‌ها، برگزاری مراسم‌ها اجتناب کرده تا در مقابله با بحران ها هم بتوانیم پیروزمندانه و در عین حفظ دین به مقصد برسیم. (رستمی، ۱۳۹۹/۱۲/۲۸، ایرنا)

رویکرد که عمدتا در جوامع معتقد به باورهای تئولوژیک صورت گرفت، با مقایسه اپیدمی کرونا با زلزله لیسبون، به نقد تئودیسه‌های سیاسی می‌پردازد و آن را زمینه ساز بی اعتباری توجیه‌های سیاست زده می‌کند. دیگر رویکرد فکری نسبت به ماجرای کرونا، توجه به رفتار اجتماعی مردم است. این نگاه در دو صورت انتقادی و هنجارگرا مطرح می‌شود؛ صورت اول به نقد رفتارها و گفتارهای مردم خواه به صورت انفرادی و خواه به شکل اجتماعی می‌پردازد، خواه در پهنه ایران و خواه در عرصه بین‌المللی و صورت دوم می‌کوشد با توضیحات فلسفی و روان شناختی و تاریخی، مواجهه آحاد جامعه با مشکل را راحت تر کند، با ترمیم ذهنیت افراد نسبت به زندگی و درد و رنج و دیگران و کمک به آنها برای بازاندیشی در باورها و خواست‌ها و احساسات خود. خلاصه آنکه از شیوع ویروس کرونا به ویژه در ایران زیاد نمی‌گذرد، اما در همین مدت کوتاه، گفتارها و متن‌های فکری فراوانی پدید آمده است، نشانه‌ای از آنکه ذهن پرسشگران

ایرانی سخت مشغول است و می کوشد این رویداد ناگوار را به نحوی بفهمد، توضیحی برای آن بیابد و راه چاره‌ای برای مواجهه با خطری که پدید آورده پیدا کند. چنین باد. (آزموده، اعتماد، ۱۳۹۸/۱۲/۱۵)

کرونا آنقدر مهم بوده است که شیوه زیست و سبک زندگی جدیدی را بر ملتها، جوامع، خانواده-ها، روابط، سیاست‌ها و شیوه حکمرانی حاکمان تحمیل کرده است. تاثیرات و بازتاب‌های این ریزساختار بدینجا خاتمه نیافته و تحولات، شکاف‌ها، بحران‌ها و مسائل ریز و درشت عقیدتی و فلسفی و علمی را نیز با خود همراه آورده است. مانند هر معضل و بحرانی می‌توان تهدید و فرصت و رنج و عبرت را در آن توامان دید، بشرط آنکه یکسویه بدان نگریسته نشود. از منظر الهیات، پیدایش و شیوع این ویروس به عنوان عامل بیماری و تهدید نسل بشر و به عبارتی دیگر مصداق و نمونه کاملی از شر، چه در بین مومنان خداباور و چه در بین غیر مومنان، بازتاب‌ها و پی آمدهایی را با خود داشته است. بعضی را در تأمل در معنای مرگ و زندگی فرو برده است و برخی را نیز دچار یاس فلسفی کرده است. از سوی دیگر متدینان را به خداوند نزدیکتر کرده است. البته ایشان چه بسا این مصیبت را برای کافران، کیفر ناسپاسی و عبور از حدود الهی می‌دانند. برخی نامتدینان و خدا ناباوران آن را شاهدی بر اعتقاد خود و مویدی بر دلیل شر تلقی کرده‌اند و برای برخی متدینان نیز سوالهایی در مورد حدود فاعلیت الهی و غایات اینگونه پدیده‌ها در ارتباط با حکمت و عدل الهی و نیز مسئله دعا مطرح شده است. رابطه علم و دین و مسئله دین حداقلی یا حداکثری، رابطه فقه و مرجعیت با اداره مملکت و علم سیاست و اقتصاد و مدیریت، همچنین وظیفه عالمان در برابر افراطها و تفریطها و بدعت‌ها از دیگر نزاعها و پی آمدهای نظری این کارزار است. از سوی دیگر اینکه مرگ صرفاً برای "دیگری" و در دور دستها معنا نمی‌شود، مرگ اندیشی و تأمل در معنای زندگی را از جمله ثمرات چنین وضعیتی قرار داده است. دلالت‌های حوادث آخرالزمانی برای عده دیگری جالب توجه بوده است. خلاصه کرونا هم به ایمان مومنان افزوده است و هم به الحاد ملحدان. از سوی دیگر هم روزنه‌هایی از نور برای برخی ملحدان گشود و هم رخنه‌ای در ایمان برخی مومنان انداخته است. همانطور که این ویروس به نوبه خود برخی بیماری‌های فرهنگی مانند عدم تعادل و فقدان قرائت عقلانی از دین و نیز ضعف عقلانیت و مدیریت و مانند آن را نیز هویدا کرد.

مرجعیت عالم دینی و دانشمند تجربی و رابطه علم و دین

در مورد ارتباط بین علم و دین (و به تبع آن مرجعیت عالمان هر یک در قلمرو خاص خود)

اقوال متعددی وجود دارد که از تقابل و تباین گرفته تا اتحاد و یگانگی را در بر می‌گیرد اما اگر چنانچه رأی اغلب متفکران اسلامی بر آن قرار دارد یعنی قول به تکمیل را لحاظ کنیم. قلمروها و عرصه‌های دین (وحی) و علم تجربی مشخص است. بحسب عقل در قلمرو دین، سخن وحی حجت است و در قلمرو تجربه پذیر، سخن علم و جامعه علمی و دانشمندان تجربی. اگر وضعیت علوم تجربی را به علوم اجتماعی (حداقل علوم اجتماعی تجربی) نیز تسری دهیم طبعاً مرجعیت تصمیم سازی در باب نحوه مقابله پزشکی یابسیج اجتماعی در قبال یک بحران یا فاجعه جمعی مشخص خواهد بود. عدم تمایز مرزهای مزبور و عدم رعایت عقلانیت در تصمیم سازی‌ها می‌تواند به فجایعی در اداره یک کشور منجر شود که به هلاکت حرث و نسل منجر شود. از منظر اخلاق؛ پالایشی که موقعیت‌های زوال اعم از زوال نعمت‌ها، زوال صحت و سلامت و زوال عمر نصیب افراد می‌کند حاصل بصیرت و تجدید نظر در ارزش داوری‌هایی است که شخص در مورد دنیا، مناصب و مقامات آن، برخورداری‌های آن و کم و کیف این تنعم‌ها حاصل می‌کند. در چنین وضعیتی مؤمنان معنای صفاتی همچون توکل، صبر، رضا، تحمل، دعا، توسل و .... را به نحوی زنده‌تر در زندگی معنوی خویش می‌یابند.. از سوی دیگر برای همگان نوعی احساس قدردانی و قدر شناسی از نعمت‌ها و برخورداری‌های روزمره (مانند نعمت بدن و سلامتی آن ارتباط نزدیک با دیگران و حضور در اجتماعات) که عادی شده بود و دایمی تلقی می‌شده و حسرت از دست دادن آنها پیدا می‌شود که" قدر نعمت کسی داند که به مصیبتی گرفتارید". توجه به ماهیت غم و شادی راههای مواجهه با بحران و مصیبتها تمایز بین خود مصیبت و ترس از مصیب از دیگر ابعاد این واقعه است. توجه به ارزش و اهمیت "دیگری" و هرکسی که در راه سلامت و بهروزی دیگری کاری انجام می‌دهد از جمله پزشکان و پرستاران و... اینکه برخی خدمات با پول قابل سنجش نیست نیز از دیگر تذکرات این بحران بوده است. از بعدی دیگر این بحران همان طور که نفع طلبی (مانند احتکار)، خودخواهی، بی اعتمادی و بی عدالتی را به عنوان ابعاد منفی سرشت بشر هویدا کرد از سوی دیگر مهربانی‌ها، ایثارها و توجه به دیگران را نیز به عنوان ابعاد مثبت بشریت آشکار ساخت.. هرچند این ویروس به عدالت و به نحو دمکراتیک به شهروندان درجه یک و درجه دو هجوم آورد. اما لزوماً همگان در دسترسی به امکانات بهبودیابی یکسان نبودند و نیستند. در بعد اخلاق اجتماعی و سیاست و مدیریت نیز کرونا آزمونی بزرگ پیش پای کشور ما و جوامع مختلف نهاد و ضعف‌ها و پرده پوشی‌ها و اعتمادسوزی‌ها و بی عدالتی‌ها فقدان عقلانیت و شکاف-های بین مسئولان و مردم و نگرش مصلحت محور بجای نگرش انسان محور در برخی ممالک و

صداقت و عدالت و نگرش عقلانی در برخی دیگر را به نمایش گذاشت و از این حیث برخی آن را آزمون آزمون‌ها در مملکت داری نامیدند. از جمله پیام‌های این ویروس در بعد اخلاقی و معنوی را می‌توان چنین برشمرد: توجه اصیل به زندگی و مرگ، حقیقت غم و شادی، امید ونا امیدی، رنج و راحت، اهمیت"دیگری" در زندگی من، یکسانی فقر و غنا در هنگام مصیبت جمعی، تمایز فاجعه از ترس از فاجعه، اهمیت انسان از آن جهت که انسان است در مقابل قوم قبیله و جناح و آیین، توجه به رابطه گناه و بلا، توجه به عدالت، رحمت و مودت در سخت‌ترین شرایط، و بالاخره توجه به رابطه انسان و خدا.

از منظر فقه می‌توان گفت بحران یا فاجعه ویروس کرونا از سه بخش اساسی دین یعنی اعتقاد، اخلاق و فقه؛ بخش اخیر را در معرض بیشترین اعتراض و تعارض قرار داد و بعبارتی محکی برای فقه حکومتی لااقل در قرائت غالب آن و آزمونی فیصله بخش برای آن تلقی شده است. در هم آمیختن تقدس سازی با ابعاد عقلانی و عرفی حاکمیت و حکمرانی- آنچنان که در تامل و تردید حاکمیت در قرنطینه سازی شهر قم پیش آمده است- عدم توجه به سازوکارهای عقلانی و تجربی دیگر جوامع به توهم استغنا از آن- چنان که در تَأخیر در استفاده از تجارب دیگر کشورها، از جمله تأخیر در قرنطینه گیلان پیش آمد.- عدم توجه به اخلاق در بعد اجتماعی و حاکمیتی چنان که در نحوه اطلاع رسانی در مورد ویروس کرونا روی داد و تقدم مصالح نظام بر مصالح مردم و سکوت عالمان و مراجع و حوزه‌های علمیه در همه این موارد علی رغم هشدارهای اساتید دانشگاهی و نهادهای مرجع علمی از جمله ناکامی‌ها و نامرادی‌هایی بود که به نظر می‌رسد در آینده کلیت رابطه فقه و حاکمیت را با عنوان ناکارآمدی فقه حکومتی تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد. به هر روی واقعیت، خود را بر تصمیم‌های نسنجیده تحمیل می‌کند و بوضوح رسید که به جای قرنطینه یک شهر کلیت یک کشور قرنطینه خواهد شد و دیگر کشورها به حکم تصمیم عقلایی آن را بایکوت می‌کنند. این همه جدا از حق الناس است که در طی تصمیم سازی‌های غیرکارشناسی شده و مدیریت‌های ناکارآمد در باب جان و عمر و مال مردم بر ذمه حکمرانان قرار می‌گیرد، نیز جدا از وهن مذهب است که از سیستم تصمیم گیری برخی مسئولان (با سکوت روحانیون) در منظر مردمان و عقلای دیگر کشورها پیش می-آید. البته روزنه‌هایی از امید در پذیرش (یا تحمیل و تحمل) واقعیت در این اثنا مشاهده می‌شود از جمله پذیرش تعطیلی اجتماعات حتی اجتماعات مذهبی، نمازهای جمعه و جماعت و تعطیلی برخی اماکن متبرک مذهبی (علی رغم مقاومت‌هایی که صورت می‌گرفت) که به نوبه خود به

بازگشت اهمیت عقلانیت و تخصص‌ها و تفکیک قلمرو علم و دین دلالت داشت که از آن جمله است: ارتقای جایگاه پزشکان و دست اندر کاران سلامت تا بدانجا که بر اساس حکم ایشان در کنار مراسم عرفی؛ یعنی برگزاری کنفرانس‌ها کنسرتها، سینماها، دید و بازدید یا سفرها در ایام تعطیل؛ مراسم نماز و دعا و دیگر مناسک دینی نیز موقتاً به تعطیلی گرایید. شاید وقت آن باشد که فقه اجتماعی و حکومتی بار دیگر با لحاظ جایگاه انسان و تقدم ارزش حیات او و اهمیت جان او در مقاصد شریعت مورد تجدید نظر قرار گیرد. همچنین دایره دخالت فقیهان که علی القاعده تنها می‌بایست در حکم و مفهوم و نه مصداق و نحوه اجرا باشد، تجدید نظر صورت گیرد. چرا که تشخیص مصداق و نحوه اجرای احکام را می‌بایست به اهل فن و تخصص سپرد. شاید در جریان این بحران معنای این دعای پیامبر (ص) بهتر درک شد که: خدایا در نان ما برکت ده زیرا اگر آن نباشد قادر به انجام نماز و روزه نخواهیم بود. مسئولان نیز در یافتند اگر جان نباشد یا حیات انسان‌ها در معرض تهدید باشد نماز جمعه و جماعت و مناسک دینداری و نیز دیگر شئون اجتماعی و حاکمیتی در امان نخواهد بود و موضوعیتی نخواهد داشت. (رحیمیان. دین آنلاین، ۱۳۹۸/۱۲/۲۰). بنابراین می‌توان گفت که کرونا در ابعاد مختلفی در دینداری مردم اعم از ابعاد فقهی، برگزاری مناسک و شعائردینداری تاثیرگذار بوده است.

نتیجه گیری

در زندگی بشری همه موضوعات و تحولات بر یکدیگر اثرگذار هستند. به طور مثال تکنولوژی و صنعت تاثیراتی بر سبک زندگی و دینداری جوامع بشری داشته است. از سوی دیگر باید خاطر نشان کرد که چارچوب و منظومه بنیادین بشری همچون فضیلت مندی، سعادت، عدالت، اخلاقی زیستن، فلسفه زندگی، رنج و شر و.... دچار دگردیسی نشده‌اند، بلکه این تحولات، بیماری‌ها، صنعت، تکنولوژی‌ها و..... هستند که در راستای پاسخگویی به سوالات بنیادین بشری و کاهش رنج بشر شکل گرفته‌اند. در واقع موضوعات و چالش‌های نوین بشری همچون ویروس کرونا می‌تواند پوسته و ظواهر سبک زندگی از جمله دینداری را متحول کند، اما در فلسفه و هدف دین و دینداری تغییری ایجاد نمی‌شود. بنابراین هدف دین در راستای معنابخشی به زندگی انسان‌ها، فضیلت مندی و سعادت بشری تحولی روی نمی‌دهد. می‌توان گفت حتی میزان گرایش به دین و دینداری با توجه به بحران‌های بشری، لزوم آرام بخشی و تسکین آلام انسان‌ها، ناکارامدی مدرنتیه و تکنولوژی در رفع رنج بشری و.... افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر باید گفت که باید تاثیرات ویروس کرونا بر دین را بر اساس شاخص‌های دینداری در نظر گرفت. به عبارتی منظور از دینداری را بر اساس شاخص‌هایی همانند ماهیت گرایی و فلسفه گرایی، فقهی، هدف گرایی در نظر گرفت، و سپس به تاثیرات ویروس کرونا بر دینداری پرداخت. چنانکه اثر این ویروس بر ماهیت و فلسفه دین بسیار اندک می‌توان در نظر گرفت، چرا که در موضوعاتی همانند عدالت، ماهیت رنج بشری و.... سوالاتی مطرح شده است. البته در اصل موضوع یعنی معنابخشی به زندگی ها انسان ها و فضیلت مندی اثر کرونا منتفی است. همچنین در بخش مناسک دینی بیشترین تاثیرات ویروس کرونا قابل بررسی است، بخصوص در بخش عامه که بیشترین دین و دینداری خود را از اجرای مناسک و شعائر دینی اخذ کرده‌اند. به همین دلیل وقتی حرم‌ها، زیارت گاه‌ها، مساجد و سایر تجمعات و مراسم‌های مذهبی تعطیل می‌شوند، چالش‌ها و ابهامات دینی در این شاخص‌ها صورت بندی می‌شود. البته این موضوع بیشتر در جوامعی همانند ایران که دینداری مناسکی و تجمعات دینی بسیار زیاد بوده است، از سوی دیگر به دلیل کمبود امکانات در بخش فضای مجازی و فرهنگ عمومی و تاریخی مبنی بر حضور فیزیکی و لمس عینی مناسک دینی معنا بخش بوده است، در نتیجه در این بخش تاثیرات کرونا بیش از سایر بخش ها در موضوع دینداری بوده است.

منابع فارسی

کتب

- افتخاری نبوی طباطبایی، حمیدرضا(۱۳۹۶)، **بیوتروریسم و نهادهای بین‌المللی**، تهران، خرسندی
- اینگلهارت، رونالد(۱۳۷۳)، **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، ترجمه مریم وتر، کویر، تهران

مقاله

- مرادی پشت دربندی، محمدرضا(۱۳۹۵)، **بیوتروریسم و راهکارهای مقابله با آن با نگاهی به موازین حقوق بین‌الملل**، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره دوم، شماره ۱/۴، زمستان

خبرگزاری

- آزموده، منوچهر، ۱۳۹۸/۱۲/۱۵، اعتماد
- پورحسن قاسم، ۱۳۹۹/۱/۱۷، خبرگزاری مهر
- درویش ۱۷/ ۱۳۹۹/۲، مرکز ملی پژوهشگاه فضای مجازی
- رحیمیان، ۱۳۹۸/۱۲/۲۰، سایت دین آنلاین
- رستمی، ۱۳۹۹/۱۲/۲۸، ایرنا
- شجاعی زند، علیرضا، ایرنا، کدخبر، ۱۸۸۵۵۱
- صادق نیا، ۱۳۹۹/۲/۱۵، ایرنا
- فاضلی، نعمت اله، ۱۳۹۸/۱۲/۱۵، خبرگزاری مهر
- فیاض، ابراهیم ۱۳۹۹/۲/۱۷، خبرگزاری فارس
- قطبی، ۱۳۹۹/۱/۲۵، خبرگزاری مهر
- غرویان، محسن، ۱۳۹۸/۱۲/۲۹، همشهری آنلاین
- مصطفی ملکیان و عبداله نصری، ۱۳۹۱/۳/۱، خبرگزاری دانشجو
- موسوی، ۱۳۹۹/۱/۲۰، ایرنا
- ملکیان، مصطفی، سایت معنویت